

مجلس شورای اسلامی علاوه بر این که نشان از وضعیت آسیب پذیر اقبال کارگری کشور دارد، از واقعیت هولناک دیگری خبر می دهد و آن جایگاه بسیار متزلزل قانون در کشور ماست .

در یک سال و نیم گذشته ، هم به واسطه مسائل مربوط به شهرداری ، هم در جریان قتل های بی در پی تی چند از نویسندگان و شخصیت های سیاسی و دست آخر در جریان تعطیل روزنامه ها خارج از روال تعیین شده توسط قانون مطبوعات ، موضوعاتی که بازتاب های وسیعی در مطبوعات کشور یافت ، آن چه بیش از پیش آشکار گشت وضعیت بی پناهی قانونی جامعه بود . اکنون با طرح و سپس تصویب «بی قانونی کار» یکی دیگر از وجوه این حقیقت سر بلند کرده است . مسلم است که یک چنین وضعیتی دارای ریشه های عمیقی است که اگر فهمیده نشوند لطمات بسیاری به همراه خواهد داشت . در واقع رأی مجلس به خارج شدن کارگاه هایی که سه نفر یا کم تر کارگر دارند از شمول قانون کار و تعیین نکردن این که در این کارگاه ها کدام قانون بر رابطه کارگر و کارفرما ناظر خواهد بود ، رأی قوه مقننه است به سلب مسئولیت از خود به عنوان نهاد قانونگذار . امری که شاید به مراتب از بحث های محتوایی که پیرامون این «بی قانونی کار» می توان مطرح کرد مهم تر باشد .

شاید بتوان ریشه های پذیرش این «بی قانونی» را در شرایط سختی که کشور در ده سال اول پس از پیروزی انقلاب گذراند یافت ، یعنی در دوره ای که گاه الزامات کار چنان بود که مسئولان برای کوتاه کردن مسیر قانونی ، تدابیر ویژه ای می اندیشیدند . شاید بتوان ریشه آن را

در وجود نهادهایی مانند شورای انقلاب فرهنگی و نیز شورای مصلحت نظام دید که هر یک به نحوی به قانون گذاری دست می زنند یا زده اند و در نتیجه اجازه داده اند که مجلس آن طور که باید به مسئولیت خود در امر قانون گذار حساس نباشد و ده ها شاید دیگر که باید ریشه یابی شوند تا چاره ای برای بی پناهی قانونی جامعه اندیشیده شود .

م . ث

گفتگو ۸۳

سرخي شفق

ز چشم مام وطن خون چکد بر این آفاق
که سرخیِ شفقش جلوه صبح و شام دهد
بهار

ده سال است که آتش جنگ هشت ساله عراق علیه ایران فرونشسته . جنگی که طولانی ترین جنگ ها در سده بیستم میلادی بوده ، جنگی که نه تنها بر اثر آن گوشه ای از خاک ایران برکنده نشد ، بلکه روح جریحه دار این ملت ، که در حافظه تاریخی اش چند شکست و گسست ثبت شده بود ، اندکی التیام یافت - گر چه لطمات و صدمات انسانی و مادی بسیاری بر دوش اش گذاشت و از جهات بسیاری هنوز ارزیابی دقیقی از آن صورت نگرفته است . جنگی که در آن صدها هزار مرد و زن و کودک ایرانی در کنار هم مصائب اش را برتابیدند و دم برنیاروندند . جنگی که در آن ده ها هزار مرد و زن و کودک ایرانی جان باختند تا کیان وطن و حریم حرمت شان را برای آیندگان شان محفوظ بدارند . حال ما مانده ایم و

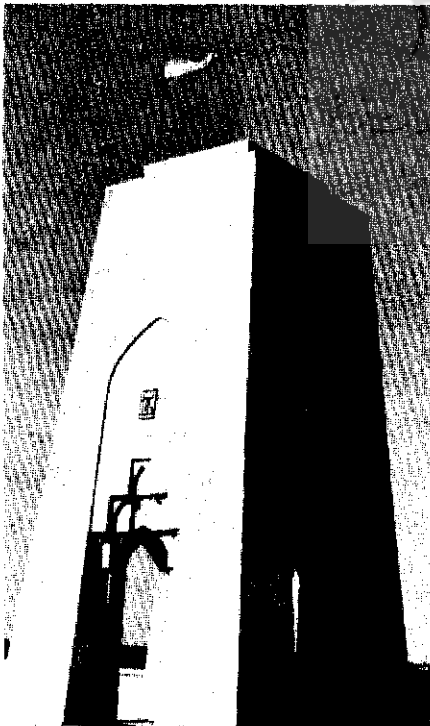
یکی به یاد شهدای ۱۵ خرداد ۱۳۶۱ که حین راهپیمایی مورد هجوم هواپیماهای عراقی قرار گرفته و به شهادت رسیدند و دیگری به یاد شهدای عشایر در سه راهی صالح آباد-ایلام-مهران ساخته شده است. و نیز می توان از احداث کتابخانه شهید حداد عادل و مجسمه دریاقلی در کوی ذوالفقاری آبادان نام برد. از دیگر موارد در خور توجه حفظ و زنده نگاه داشتن مسیرها و محورهای عملیات و نقاط مهم جنگ هشت ساله در استان های غربی و جنوبی کشور است.

تمامی این اقدامات در جای خود مغتنم است، اما در این که فقط قطره ای از کل آن ایقانوس است نیز تردید نیست؛ نکته ای که نباید از نظر دور داشت و مغفول گذاشت این است که چرا و چگونه می توان و باید آثار و یادگارهای جنگ هشت ساله را در تاریخ ثبت کرد؛ ثبت و ضابطی به مراتب مشخص تر و گویاتر از یک

این پرسش که کدام چیزها از میراث ایشان را محفوظ داشته ایم؟ واقعاً آیندگان چه تصویر و تصویری از این جنگ طولانی خواهند داشت؟ آیا با آیندگان هم می توان به زبان حال سخن گفت و ایشان را با خاطرات تلخ و شیرین شفاهی و یا حتی کتبی قانع کرد و راضی داشت؟ یا اینکه واقعیت ها را باید واقعاً محفوظ داشت؟

البته برخی نشانه های امیدبخش دیده می شود: از آن جمله می توان از اختصاص غرفه ای ویژه شهیدان جنگ در موزه شهدا در تهران واقع در خیابان آیت الله طالقانی نام برد و نیز مثلاً از مرکز فرهنگی دفاع مقدس واقع در خیابان امیرکبیر کرمانشاه یاد کرد که در زمان جنگ پناهگاهی بوده که عراقیان بمباران کرده اند و هم اکنون به همت بنیاد حفظ آثار و ارزش های دفاع مقدس بازسازی و به موزه تبدیل شده است. در این موزه در کنار غرفه هایی چند که برخی آلات و ادوات بازمانده از زمان جنگ در آنها دیده می شود، آثاری هنری (از جمله تندیس ها و پرده های نقاشی) به نمایش گذاشته شده است.

همچنین باید از «تندیس زن قهرمان» نام برد که آن هم در همان خیابان امیرکبیر در کرمانشاه قرار دارد و یادآور رشادت یکی از زنان سلحشور گیلان غرب است که در نخستین روزهای تهاجم عراق با تبر چند تن از سربازان عراقی را از پای در آورده بود. در اسلام آباد نیز تندیس عظیمی به یادگار از مقاومت مردم این شهر در برابر حملات هوایی عراق برپاست که در خور توجه است. گویا در قصر شیرین نیز تندیس دیگری با همین مضمون وجود دارد که نگارنده از چند و چون آن اطلاع دقیقی ندارد. ظاهراً در ایلام نیز دو تندیس،

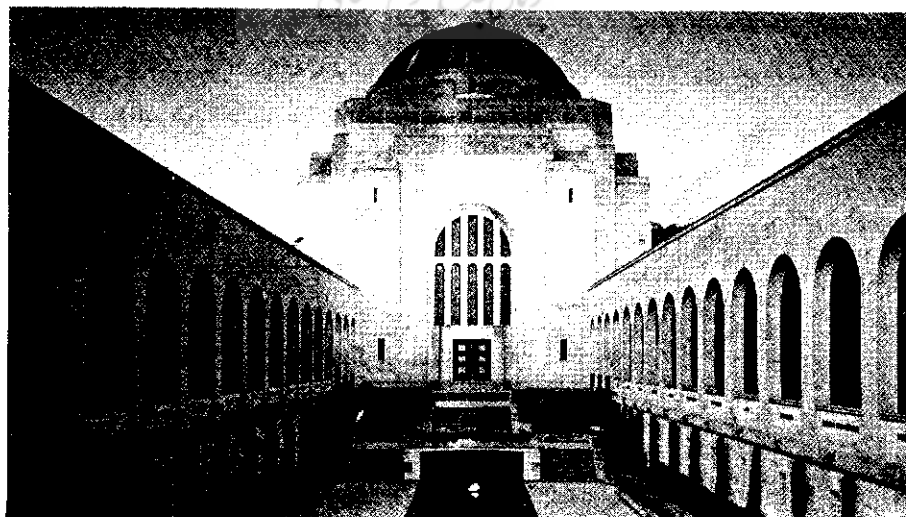


رشته نشانه های نمادین که بیانگر برداشتی تاریخی و تصویری واقعی از آن برای آیندگان باشد تا به درستی درباره اش قضاوت کنند. جای دارد که طرحی کلی و جامع در نظر گرفته شود تا در چارچوب آن بتوان همه علل و عوامل دخیل در جنگ و حوادثی را که در خلال آن رخ داده به درستی و بدون جا افتادگی ثبت کرد. باید حوادث جنگ را در چشم اندازی کلی تر نگریست و آن را به رخدادهای قبیل و بعد آن پیوند داد- اگر چه و البته که تمرکز اصلی باید بر سیر حوادث دوران جنگ باشد. باید همه عوامل درگیر در جنگ را شناخت و در حفظ نمادهای هر یک از آن ها کوشید. باید اشیاء و حوادث را به گونه ای در کنار هم چید که هر بیننده مشتاق خود قادر باشد تاریخ جنگ را بازسازی کند. در این راه از تجربیات دیگر ملت ها که درگیر جنگ بودند نکته ها می توان آموخت. یکی از مهم ترین نکات که باید مد نظر باشد این است که آثار و بقایا و اسناد و مدارك و ادوات جنگی و نشان ها و . . . و خلاصه همه چیز که از جنگ و مربوط به جنگ است باید در یک مکان یا مکان های متعدد

متمرکز باشد. البته به نظر می رسد دست درکاران امور مربوط به حفظ میراث جنگ خود به این نکته توجه داشته اند زیرا ظاهراً بیشتر این گونه آثار در غرب و جنوب کشور متمرکز شده است.

شاید نگاهی به آثار موجود در موزه یادمان جنگ استرالیا - فقط از باب مثال- و آگاهی از نحوه تقسیم بندی و شیوه ارائه موجودی این موزه قدری منظور ما را روشن سازد.

در موزه جنگ استرالیا که به شکل یک صلیب ساخته شده، یک قسمت به بازسازی حوادث جنگ اول اختصاص داده شده. در این قسمت صحنه های جنگ به صورت مدل های کوچک بازسازی و بازنمایی شده. یک تالار بزرگ به نمایش مدل واقعی هواپیماهای مختلف که در جنگ اول یا دوم شرکت داشتند، اختصاص یافته. یک تالار به نام «تالار دلاوری» به قهرمانان جنگ و آنان که با فداکاری های خارق العاده در پیروزی نیروهای استرالیایی نقش به سزا داشته اند تعلق یافته و تالاری دیگر به رخدادهای جنگ دوم جهانی و شرکت سربازان استرالیایی و نبردهای مهم در جبهه های یونان، جزیره کرت، طبرق



لیبی و العلمین در نزدیکی اسکندریه. یک تالار کوچک به نمایش فعالیت‌ها و تجهیزات سربازان استرالیایی که به عنوان پاسداران صلح در نقاط مختلف انجام وظیفه کرده‌اند اختصاص یافته و در تالاری دیگر ابزار و ادوات جنگی و اسناد و مدارک شرکت سربازان استرالیایی در جنگ‌های کره و جنوب شرقی آسیا (مالایا و اندونزی و ویتنام) به نمایش درآمده. تا اینجا همه تالارها در طبقه بالایی عمارت قرار دارند. در طبقه پایین تالاری دیگر به نمایش فعالیت‌های زنانی که در طول جنگ جای خالی مردان را پر کرده بودند، اختصاص دارد. و در قسمت دیگر، مدل‌هایی از زندان‌هایی که آلمانی‌ها و ژاپنی‌ها در طول دو جنگ ساخته بودند و سربازان متفقین را در آن‌ها نگاه می‌داشتند بازسازی شده. در یک بخش کوچک نمونه‌هایی از سنگرهای زمان جنگ اول بازسازی شده که مراجعان می‌توانند به آن وارد شوند و شرایطی را که سربازان در آن می‌زیستند به عینه ببینند. یک تالار نیز به آرشیو اسناد و مرکز تحقیق اختصاص دارد که در آن‌ها مجموعه‌های مختلف چاپی و غیرچاپی (دست‌نوشته)، نامه‌های رسمی و خصوصی، عکس، فیلم، نوار صوتی و آثار هنری نگاه‌داری می‌شود. در تالار دیگر نمایشگاهی از عکس برپاست که به ترتیبی چیده شده که اهم وقایع تلخ و شیرین سال ۱۹۴۵ (سال پایان جنگ دوم) به روایت تصویر پیش چشم می‌آید.

لیبی و العلمین در نزدیکی اسکندریه. یک تالار کوچک به نمایش فعالیت‌ها و تجهیزات سربازان استرالیایی که به عنوان پاسداران صلح در نقاط مختلف انجام وظیفه کرده‌اند اختصاص یافته و در تالاری دیگر ابزار و ادوات جنگی و اسناد و مدارک شرکت سربازان استرالیایی در جنگ‌های کره و جنوب شرقی آسیا (مالایا و اندونزی و ویتنام) به نمایش درآمده. تا اینجا همه تالارها در طبقه بالایی عمارت قرار دارند. در طبقه پایین تالاری دیگر به نمایش فعالیت‌های زنانی که در طول جنگ جای خالی مردان را پر کرده بودند، اختصاص دارد. و در قسمت دیگر، مدل‌هایی از زندان‌هایی که آلمانی‌ها و ژاپنی‌ها در طول دو جنگ ساخته بودند و سربازان متفقین را در آن‌ها نگاه می‌داشتند بازسازی شده. در یک بخش کوچک نمونه‌هایی از سنگرهای زمان جنگ اول بازسازی شده که مراجعان می‌توانند به آن وارد شوند و شرایطی را که سربازان در آن می‌زیستند به عینه ببینند. یک تالار نیز به آرشیو اسناد و مرکز تحقیق اختصاص دارد که در آن‌ها مجموعه‌های مختلف چاپی و غیرچاپی (دست‌نوشته)، نامه‌های رسمی و خصوصی، عکس، فیلم، نوار صوتی و آثار هنری نگاه‌داری می‌شود. در تالار دیگر نمایشگاهی از عکس برپاست که به ترتیبی چیده شده که اهم وقایع تلخ و شیرین سال ۱۹۴۵ (سال پایان جنگ دوم) به روایت تصویر پیش چشم می‌آید.

نمایشگاهی نیز از برجسته‌ترین آثار و بقایای نیروی دریایی استرالیا در زمان جنگ دوم برپاست که شامل بقایای کشتی‌های جنگی، مدل‌های کوچک کشتی‌های مورد استفاده، و یک

قایق نجات پارویی که تنها بازمانده از نوع خود است. و آخرین قسمت نیز تالاری است مختص به دوران استعمار استرالیا. جنگ‌های سربازان استرالیایی که در خدمت امپراتوری بریتانیا بودند، از جمله در سودان، چین و افریقای جنوبی و نیز جنگ بوئرها که نخستین جنگ استرالیا پس از اداره این کشور به شکل فدراسیون است. همچنین فعالیت‌های جنبی این موزه از جمله شامل موارد زیر است: برپایی نمایشگاه به مناسبت‌های مختلف، نمایشگاه آخرین ادوات و ابزار جنگی، ترتیب دادن سفرهای دسته جمعی برای بازدید از دیگر آثار مربوط به جنگ در جاهای دیگر استرالیا، برنامه‌های آموزشی در مورد نکات مهم تاریخ نظامی، نمایش فیلم و جلسات بحث و گفتگو و انتشار کتاب و مجله نیز محل بازی بچه‌ها.

باز هم باید گفت که جنگ هشت ساله عراق علیه ایران از مهم‌ترین و مؤثرترین حوادث تاریخ معاصر ایران بوده است و این مسئولیت بر عهده ماست که چگونه و با چه روشی آن را به آیندگان بشناسانیم. صرف توجه به برخی از جنبه‌های جنگ، که از آن‌ها می‌توان به عنوان جوانب کلی «ارزشی» آن یاد کرد و نادیده گذاشتن جوانب کلی تر آن ممکن است تصویری نادرست از همه ما نزد آیندگان برجایگذارد.



رامین کریمیان